
راه‌های مهار قدرت سیاسی از منظر سعدی

تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱/۱۷

^۱ عباسعلی رسولی

^۲ عباس صالحی نجف‌آبادی

چکیده

هدف اصلی این مقاله تبیین راه‌های تحدید قدرت سیاسی و در نهایت مهار آن از نگاه سعدی براساس نصیحه‌الملوک و در باب سیرت پادشاهان کتاب گلستان و بیان ویژگی‌های حکمرانی انسانی- اسلامی بدون استبداد و فساد است. پرسش اصلی آن است که سعدی با چه روش‌هایی سعی کرده تا از گسترش استبداد و فساد حاکمان مطلق جلوگیری کرده و فشار بر مردم گرفتار استبداد را کاهش دهد. این پژوهش به شیوه تحلیلی توصیفی به برخی از این ملاحظات مدنی و اجتماعی سعدی می‌پردازد. با بررسی صورت گرفته مشخص گردید که سعدی اندیشمندی آگاه و با بهره‌گیری از میراث اسلامی- ایرانی نظرات بی‌بدیلی در مقابله با استفاده ابزاری از قدرت و فساد حاکمان عرضه کرده و به‌خصوص راهکارهای علمی و عملی مفیدی برای نظارت و کنترل قدرت مدیران جامعه پیشنهاد نموده‌است. سعدی توزیع عادلانه قدرت و ثروت را تنها راه رسیدن به عدالت می‌داند و توصیه‌های اخلاقی ادیان توحیدی در رسیدن به این مهم را با زبانی ساده بیان و از آن دفاع می‌کند. واژگان کلیدی: مهار قدرت، نصیحه‌الملوک، در سیرت پادشاهان، سعدی، گلستان.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان Abasali.rasouli@gmail.com
۲. استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان (نویسنده مسئول) salehi.abas@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

در تمدن و فرهنگ ایرانی-اسلامی، یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده ادبیات مکتوب برجای مانده از چند هزارسال قبل، به‌ویژه پس از ورود اسلام، است، که مشخص‌کننده و تعیین‌کننده جایگاه ما در جهان پرتنوع امروز است. از چهره‌های ماندگار و مشهور در این حوزه سعدی است که محل بحث این مقاله است.

سعدی شیرازی (۶۰۶-۶۹۰ ه.ق) شاعر و نثرنویس پارسی‌گوی ایرانی است. او در نظامیه بغداد، که مهم‌ترین مرکز علم و دانش در آن زمان بود، تحصیل نمود و پس از آن به‌عنوان خطیب به مناطق مختلف مثل شام و حجاز سفر کرد. دوران سفر او طولانی بود و حدود سی و پنج سال طول کشید. سپس به زادگاه خود برگشت و تا آخر عمر در آنجا اقامت کرد. بیشتر عمر او مصادف با حکومت اتابکان فارس در شیراز، همزمان با حمله مغول به ایران و سقوط بسیاری از حکومت‌های وقت، نظیر خوارزمشاهیان و عباسیان، بود. البته سرزمین فارس با تدبیر ابوبکر بن سعد، ششمین و معروف‌ترین اتابکان سلغری فارس، از حمله مغول در امان ماند. همچنین قرن ششم و هفتم مصادف با اوج‌گیری تصوف در ایران بود. تأثیر این جریان فکری و فرهنگی در آثار سعدی قابل ملاحظه است.

سعدی هم مثل هر شخصیت دیگری در مقابل تحسین‌های اغراق‌آمیز دوستانانش، انتقادات تند و بی‌رحمانه‌ای را از جانب منتقدینش دریافت نموده‌است. پاره‌ای ابهام‌ها درباره زندگی و سرگذشت سعدی هست که رفع آنها تاکنون ممکن نشده‌است. بیشتر آنها نیز چنان است که حل نهایی آنها کمک زیادی به شناخت بهتر سعدی به‌عنوان شاعر، اندیشه‌ور و نویسنده می‌نماید. زرین کوب (۱۳۷۶) می‌نویسد: سعدی وجود دوگانه‌ای است اما این امر در عین آنکه به شخصیت هنری او دو بعد متمایز داده‌است، آن را به‌هیچ‌وجه دچار تعارض، تزلزل و تضاد نکرده‌است.

برخی از جنبه‌های منفی که به او نسبت می‌دهند این است که «سعدی تحت تأثیر آموزه‌های مذهبی شافعی و اشعری قرار داشته و بنابراین تقدیرگراست». سعدی بیش از آنکه تابع اخلاق به‌صورت مطلق و فلسفی باشد، مصلحت‌اندیش است و از این‌رو اصولاً نمی‌تواند طرفدار ثابت و بی‌چون و چرای قاعده‌ای باشد که احیاناً در جای دیگری آن را بیان کرده‌است. برخی از نوگرایان معاصر ایران آثار او را غیراخلاقی، بی‌ارزش، متناقض و فاقد نظم سیستماتیک قلمداد کرده‌اند. در مقایسه‌ای که احمد شاملو (۱۳۹۱) بین سعدی و حافظ انجام می‌دهد اظهار می‌دارد:

«حافظ عمیق می‌اندیشد و زیبا بیان می‌کند. سعدی عمیق نمی‌اندیشد اما زیبا بیان می‌کند. پشت بیان او چیز دیگری جز آنچه بیان می‌کند نیست. در او هرچه هست لفاظی است نه اندیشه‌پردازی. حتی ادروارد گرینویل براون^۱ درباره جنبه‌های ماکیاول‌وار گلستان و بی‌احترامی سعدی به اقلیت‌های دینی هم یاد می‌کرد.»

در انتقاد دیگری، او را بی‌توجه به گرفتاری‌ها و مشکلات مردم جامعه خود معرفی می‌کند و این بیت معروف سعدی را ملاک داوری می‌گیرد که به مناسبت شروع کار گلستان می‌سراید:

از آن مدت که ما را وقت خوش بود ز هجرت ششصد و پنجاه و شش بود

او به‌سختی انتقاد می‌کند که درست در زمانی که مغولان بی‌رحم اکثریت مردم ایران را کشتار کرده و همه‌جا را ویران نموده بودند، او عمر خود را «خوش» می‌داند.

در مسائل تربیتی هم تناقضاتی در اشعار سعدی وجود دارد، مثل اینکه در جایی می‌سراید:

عاقبت گرگ زاده گرگ شود گرچه با آدمی بزرگ شود

و در زمان دیگری درست برعکس، اثر تربیت را به قدری مهم می‌داند که وراثت را کامل حذف می‌نماید و می‌سراید:

پسر نوح با بدان بنشست خاندان نبوتش گم شد
سگ اصحاب کهف روزی چند پی نیکان گرفت و مردم شد

در مقابل این نوع انتقادات تند، اندیشمندان بزرگی او را ستوده‌اند و در بین سخنوران بی‌نظیر دانسته‌اند که برخی از آنها اغراق‌آمیز به نظر می‌رسند، مانند این سروده ملک‌الشعراى بهار:

سعدیا! چون تو کجا نادره گفتاری هست؟ یا چو شیرین سخنت، نخل شکرباری هست؟

یا این نوشته زرین کوب (۱۳۹۱): «در درون او یک شاعر، که دنیا را از دیدگاه عشق می‌نگرد، با یک اخلاق که انسان را در مسیر تکامل اخلاقی دنبال می‌کند، هم‌خانه است - دو هم‌خانه که سر هم‌زیستی را از طبیعت وی آموخته‌اند. در اینجا شاعری برای معلم اخلاق ترانه محبت و صفا می‌خواند و وی را به پیروزی نهایی انسانیت امیدوار می‌سازد. معلم اخلاق هم

طرح تربیت و ارشاد نفوس را، که تعلیم فلسفی اوست، به نغمهٔ چنگ جادویی شاعر گره می‌زند و آن را در سراسر آفاق فکر و هنر به پرواز در می‌آورد.»

یا محمدعلی فروغی که شجاعت سعدی را به این صورت می‌سناید:

«از خصایص شگفت‌انگیز سعدی دلیری و شهامت است که در حقیقت‌گویی به‌کار برده‌است. در دورهٔ ترک‌تازی مغول و جباران دست‌نشاندهٔ ایشان که از امارت و ریاست جز کام و هوسرانی تصویری نداشتند و هیچ چیز را مانع و رادع اجرای هوای نفس خود نمی‌انگاشتند با آن خشم‌آوران آتش سجاجاف با ایشان به قول مولانا جلال‌الدین «حق نشاید گفت جز زیر لحاف» شیخ سعدی، فقیر گوشه‌نشین، حقایق را به نظم و نثر بی‌پرده و آشکار چنان فریاد کرده که در هیچ عصر و زمان کسی به این صراحت سخن نگفته‌است. سعدی از بزرگان عصر خود مداحی کرده‌است اما مدایح او هیچ شباهت به ستایش‌های گویندگان دیگر ندارد. نه تملق می‌کند، نه مبالغه می‌کند، بلکه سراسر گفتارش موعظه و اندرز است و متملقان و گزافه‌گویان را سرزنش می‌کند. ممدوحان خود را به داد و دهش و مهربانی و دلجویی از فقرا و ضعفا و ترس از خدا و تهیهٔ توشهٔ آخرت و تحصیل نام نیک ترغیب و تحریر می‌نماید» (فروغی، ۱۳۱۶: ۲).

با توجه به تناقضاتی که در مورد شخصیت و دیدگاه‌های سعدی مطرح گردید، مسئلهٔ اصلی در این تحقیق آن است که سعدی، سخنور مسلمان، در مقابل استبداد و فساد حاکمان چه دیدگاه و نگرشی را ارائه داده است؟ او چگونه سعی در مهار قدرت سیاسی حاکمان زمان خود داشته است؟ در جمع‌بندی نهایی، می‌توان گفت که سعدی در قرن هفتم هجری می‌زیست. دوره‌ای که شکوفایی علمی و فرهنگی اسلامی قرن دوم تا پنجم فروکش نموده بود و حکومت‌های غزنوی و سلجوقی بقایای این تمدن شکوهمند را با قشری‌گری و فساد خود بر باد داده بودند. مغولان خون‌ریز و ویرانگر به ایران حمله کرده بودند. فساد و خودکامگی حکومت‌های محلی به اوج خود رسیده بود. برای محققان تاریخ فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی بسیار مهم و اساسی است تا موضع‌گیری و راه‌حلهای فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین سخن‌ور ایرانی، یعنی سعدی، را در این زمانهٔ حساس در مقابل فساد و استبداد حاکمان دریابند.

ادبیات و پیشینهٔ تحقیق

واقعیت آن است که برخی از موضوعات در پژوهش‌ها بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند و در عمل، به مطلبی دستکاری‌شده و سطحی تبدیل گردیده‌اند اما در مقابل، برخی عناوین مهم مثل

آموزش سیاسی، حقوق شهروندی، مهار قدرت و سوابق آنها در ادبیات ما مورد توجه چندانی قرار نگرفته‌اند. این نوع موضوعات که جنبه میان رشته‌ای ادبیات، تاریخ، علوم اجتماعی و علوم سیاسی را دارند تا حدود زیادی مغفول مانده‌اند.

بیشتر ادبیات موجود تحقیقی به صورت مستقیم (از زاویه مورد نظر در این پژوهش) به بررسی و مطالعه مطالب آثار کلاسیک فارسی نپرداخته‌اند اما با مطالعه برخی منابع مکتوب مشخص می‌گردد، بعضی محققین به این مباحث نزدیک شده‌اند. چند نمونه از این موارد قابل ذکر عبارت‌اند از:

۱- حاتم قادری در کتاب *اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران* به برخی متون تحت عنوان اندرزنانه‌های سیاسی و سیاست‌نامه‌نویسی توجه می‌نماید و با بیان اندیشه سیاسی علمای اهل سنت و تشیع رابطه آنها با قدرت و حکومت را، چه در عمل و چه در قالب دیدگاه‌هایشان، مشخص می‌سازد. از ماوردی، غزالی، ابن‌جماعه، ابن‌تیمیه، خنجی، خواجه نظام‌الملک، فارابی، ابن‌سینا، ابن‌باجه، ابن‌طفیل، ابن‌رشد، خواجه نصیرالدین طوسی، ابن‌خلدون تونسسی در دوره سنت نام می‌برد که در حوزه مسائل سیاسی قلم‌فرسایی نموده‌اند. در دوره جدیدتر هم به اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده، کواکبی، رشید رضا، اقبال، عبدالرزاق و سرانجام به نایینی در دوره مشروطه می‌پردازد.

۲- در مقاله مشترک سید مهدی مسبوق، علی عزیزی و محمد آهی، «درآمدی بر اندیشه‌های سیاسی سعدی شیرازی و ابوالعلا معری»، در سال ۱۳۹۱ در مورد سعدی می‌نویسند: «به اعتبار بوستان و گلستان و نصیحه‌الملوک از نام‌آورترین پدیدآورندگان ادبیات تعلیمی ۱ در زبان فارسی است که از هیچ فرصتی برای نقد اخلاق عامه و بیان کثرت‌های صاحبان قدرت دریغ نکرده‌است ... هر دو شاعر گاه با پند و اندرز و گاه با نقد و نکوهش در پی اصلاح زمامداران و آشنا نمودن آنان با مبانی انسانی، اصول دینی و اخلاقی هستند با این تفاوت که لحن انتقادهای سعدی از حاکمان نرم، ملایم و نصیحت‌آمیز است درحالی‌که لحن انتقادهای ابوالعلا معری تند و بی‌پروا و گاه تهاجمی است.»

۳- محمدرضا رحیمی سال ۱۳۷۹ در پایان‌نامه خود، بازتاب ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران در *گلستان* و *بوستان* سعدی، می‌نویسد: «روش پژوهش روش‌های

جامعه‌شناسی تاریخی، اسناد و تحلیل محتوا با مراجعه به کتب ادبی، تاریخی و جامعه‌شناسی استفاده از آرا صاحب‌نظران و نظریه‌ عام این بود که حوادث و رویدادهای قرون ۶ و ۷ هجری قمری و پیامدهای آن بر اندیشه‌ سعیدی اثر گذاشته و بوستان و گلستان بازتابی از ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران می‌باشد.

۴- کتاب *پیوند ادب و سیاست* نوشته‌ علی‌اکبر امینی در ۵۷۶ صفحه به ارتباط این دو حوزه توجه می‌نماید. برای نمونه در صفحه ۱۱۹ که درباره‌ یکی از دلایل عشق به قدرت نداشتن روح تساهل و بردباری است. در توضیح آن می‌نویسد: آنان که تشنه‌ قدرت‌اند حاضر نیستند آن را توزیع و با کسی تقسیم کنند. آنان از شریک بیزارند، حال آنکه لازمه‌ تساهل این است که سهمی از قدرت به مخالفان داده شود و این به بهای کم شدن از قدرت گروه حاکم است... و در صفحه ۱۵۹، در مورد شاهنامه می‌نویسد که شاهنامه در درجه‌ نخست، برای توده‌ مردم و سپس برای پژوهشگران سیاست و تاریخ و به‌طور کلی علوم‌اجتماعی و انسانی پیام‌های فرخنده دارد.

۵- کتاب *ادبیات پیرامون استعمار و نهضت‌های آزادی‌بخش* نوشته‌ عبدالرحیم ذاکر حسین در ۶۶۳ صفحه به بررسی انعکاس مخالفت‌های شاعران و نویسندگان ایرانی با استعمار و دعوت مردم به مقاومت در برابر آنان می‌پردازد. استعمارگری در پنج تا شش قرن اخیر در جنایتکاری‌ها و فسادهای حکومت‌های مستبد شرقی شراکت کامل داشته‌اند، بنابراین بررسی آن با موضوع مورد مطالعه در این مقاله ارتباط می‌یابد. چند سطر از پیشگفتار نویسنده در صفحه ۱۶ کتاب، نگاه مشترک محققین را به ادبیات ایران نشان می‌دهد. او می‌نویسد: «تاریخ ایران نشان می‌دهد درحالی‌که بعضی از پادشاهان بنای سلطنت خود را با کشت و کشتار بی‌رحمانه ساختن کله‌مناره و کورکردن چشم هزاران نفوس استوار ساختند، شاعران مردمی به‌آسانی فرمانروای قلوب هم‌وطنان خود بوده‌اند و در مواقع لزوم از نثار جان خود در راه وطن دریغ نورزیدند.»

همان‌طور که مطرح شد، با وجود آنکه مشترکات ادبیات و سیاست فراوان مورد بررسی قرار گرفته‌است اما پیشینه و ادبیات تحقیق در موضوع خاص مورد نظر یعنی ادبیات مهار قدرت بالنسبه نحیف و فقیر است و این اهمیت و حساسیت کار مطالعه را بالا می‌برد.

اهداف تحقیق

۱. شناخت کمی و کیفی ادبیات مهار قدرت در نصیحه‌الملوک و باب سیرت پادشاهان گلستان سعدی
۲. شناسایی مفاهیم مشترک ادبیات مهار قدرت در نصیحه‌الملوک و باب سیرت پادشاهان گلستان سعدی
۳. مشخص نمودن تکنیک‌های سعدی در دعوت حاکمان به مهار قدرت با وجود مطلق‌گرایی حاکمان
۴. پیدا کردن مفاهیم مشترک ادبیات مهار قدرت دوره سعدی با دوران معاصر

پرسش‌های تحقیق

۱. ادبیات مهار قدرت سعدی بیشتر بر چه مفاهیمی تکیه دارد؟
۲. سعدی برای تشویق قدرتمندان و حاکمان یا ترساندن آنها از سرانجام استبداد بیشتر، از اعتقادات مذهبی چه بهره‌هایی می‌برد؟
۳. سعدی از چه روش‌هایی برای قانع نمودن پادشاهان و حاکمان برای مهار قدرت بهره برده‌است؟
۴. کدام‌یک از مفاهیم ادبیات مهار قدرت سعدی با مفاهیم جدید در دوران معاصر نزدیکی دارد؟

روش تحقیق

به‌کارگیری روش کمی در مباحث کیفی، هرچند ممکن است به عنوان آمارزدگی و تقلیل سطح مطالب و امثال آنها مورد انتقاد قرار گیرد، اما یکی از مؤثرترین روش‌ها برای قابل درک نمودن مباحث کیفی است و این از طریق شاخص‌سازی صورت می‌گیرد. این روش باعث سرعت پیشرفت علوم و فنون در رشته‌های مختلف گردیده است. در رشته‌های علوم انسانی هم با وجود شک و شبهه‌هایی که صورت می‌گیرد، روشی ارزشمند و کمک‌کننده به علمی‌تر و دقیق‌تر شدن موضوع خواهد بود. به همین دلیل، با کمک این روش پس قرن‌ها از درگذشت شاعر بزرگ ایرانی می‌توان با او همراه شد و درک صحیح‌تری از دیدگاه‌ها، نگرش‌ها و شرایطی که در آن می‌زیسته به‌دست آورد.

لازم به یادآوری است که شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی آثار گرانقدری دارد که همه تحت عنوان کلیات سعدی منتشر شده است و شامل گلستان در هشت باب که باب اول آن با عنوان در سیرت پادشاهان با موضوع تحقیق مورد نظر تطبیق کامل دارد. بوستان نظم است و موضوعات آن مستقیم با موضوع مهار قدرت ارتباط ندارد. غزلیات و مواعظ عمومی بخش دیگری از کار اوست. مراثی و قصاید عربی و امثال آنها هم تا حدود زیادی از موضوع بحث مقاله جدا می‌شوند اما در بخش رسائل کتاب نصیحه‌الملوک به‌طور کامل، در موضوع مهار قدرت مطرح شده سعدی تطبیق کامل دارد. پس در نهایت، باب اول گلستان سعدی با عنوان در سیرت پادشاهان و نصیحه‌الملوک موضوع مطالعه این مقاله خواهند بود.

با توجه به صدوپنجاه‌ویک مورد نصایح سعدی خطاب به پادشاهان که در قالب داستان و شعر و حکایت کوتاه و بلند آمده سعی شد ابتدا آنها را تلخیص و مقوله‌بندی نموده و فراوانی آنها مشخص گردد. مقوله‌های تلخیص شده ۲۲ مورد شدند. با این توضیح که به دلیل کیفی بودن تقسیم‌بندی‌ها، ممکن است اگر همین مطالعه را افراد دیگری تکرار کنند، تفاوت‌هایی در مقوله‌بندی‌ها به‌وجود آید. گاهی برخی از توصیه‌ها گسترده‌اند و در چند مقوله قرار می‌گیرند. برخی از آنها هم به‌قدری کوتاه و مختصرند که فقط خود عبارت را می‌توان آورد. برخی عبارت‌ها هم از مخاطب اصلی یعنی صاحبان قدرت دور می‌شوند و لحنی عام می‌یابند؛ اما با وجود پیچیدگی‌های موجود با دقت کافی می‌توان مباحث اصلی را شناسایی نمود.

در چهل‌ویک حکایت نقل شده در باب سیرت پادشاهان کتاب گلستان باز هم مقوله‌بندی‌ها کاملاً ضرورت دارد، زیرا برخی حکایت‌ها خطاب به کل بشریت رهنمود می‌دهند. بعضی جنبه مذهبی و امر به معروف و نهی از منکر دارند. تعدادی ریزه‌کاری‌های مدیریتی را در برخورد با کارگزاران مطرح می‌نمایند. حکایت‌ها کوتاه و بلند هستند و گاهی ممکن است چندین مقوله را هم‌زمان عرضه کنند. از بین آنها اصلی‌ترین مطلب مورد نظر انتخاب گردیده است. در عبارات و حکایات کوتاه عین عبارت آورده شده زیرا گویاتر می‌توانند نظر شاعر را منعکس نمایند. در این بخش، به دلیل محدودیت موارد تعداد مقوله‌های شناسایی شده ده عنوان را تشکیل می‌دهند که هفت مقوله مشترک با مباحث نصیحه‌الملوک است و سه مقوله دیگر هم با کل نصایح مطرح شده نزدیکی دارند. در نهایت، دو بخش نصیحه‌الملوک و در سیرت پادشاهان گلستان به صورت ترکیبی مورد بررسی قرار گرفتند. نتیجه اینکه مقوله‌های جدول ۳ به ۲۵ مقوله افزایش یافت و مشخص گردید که ۲۲ مورد آنها مشترک هستند و تنها سه مقوله با فراوانی کم و متفاوت وجود

دارد. یعنی نشان می‌دهد افکار انسان دوستانه و ارزشمند سعدی هم در شکل نصیحت و هم در قالب حکایت زیربنای ارزشی محکمی دارد.

چهارچوب مفهومی

مهار قدرت از مفاهیم مهمی است که رابطه گروه‌ها و نهادهای اجتماعی را با هم مشخص می‌سازد و وظایف حاکمان را درمقابل برخورداری از مزیت قدرت در برابر دیگران تعریف می‌نماید. در هر دوره زمانی ممکن است قدرت‌طلبی، جنگ قدرت و مهار قدرت شکل‌های متفاوتی بیابند اما اساس آنها یکسان می‌باشد. شاید بتوان همه آنها را به نفس قدرت‌طلب انسانی در درون و عدم وجود نهادهای کنترل‌کننده بیرونی نسبت داد. مقایسه حکومت‌های گذشته و حال در این زمینه کمک‌کننده است.

به‌طورکلی می‌توان مهار قدرت را در همه جوامع و دوره‌ها به دو دسته تقسیم نمود.

اول مهار درونی قدرت از مسیر تقویت وجدان و کنترل هوای نفسانی فرد. دوم مهار بیرونی قدرت از طریق نهادها و نیروهای اجتماعی دیگر موجود در جامعه. به‌عبارتی‌دیگر، برای مهار قدرت، که از مشکلات اساسی در همه دوره‌های تاریخی بشری بوده‌است، راه‌های گوناگونی پیشنهاد و تجربه شده‌است. برخی از موارد عبارت‌اند از: برای مهار و کنترل قدرت دو روش اساسی قابل پیش‌بینی است. از یک سو، راهکار مهار درونی قدرت پیشنهاد می‌شود که کارگزاران را به حسن انجام امور و عدالت‌ورزی سوق می‌دهد، از سوی دیگر، راهکار بیرونی قدرت با کمک متغیرهایی خاص ضمن جلوگیری از تمرکز قدرت، با تشکیل نهادهای خاص، مهار قدرت را به ارمغان می‌آورد (ایزدی، ۱۳۹۰: ۹).

براساس آنچه آمد، بحث بر سر این است که سعدی در بحث مهار قدرت بر کدام عامل

درونی، عامل بیرونی یا ترکیب این دو تأکید می‌کند؟

یافته‌های تحقیق

پس از مباحث مقدماتی صورت گرفته و توضیح در مورد روش بررسی موردنظر به مبحث اصلی یعنی توجه به موضوعات مطرح شده سعدی و مقوله‌بندی‌های محقق در قالب جداول پرداخته می‌شود. نظریه‌های مطرح شده، اهداف و پرسش‌های تحقیق راهنمای بررسی‌ها خواهند بود. سعدی از روش داستان‌گویی، ضرب‌المثل، نقل احادیث دینی، اشعار متناسب با متن داستان،

شواهد تاریخی و عینی در قالب ۱۵۱ توصیه و نصیحت مستقیم به حاکمان و همچنین ۴۱ داستان در سیرت پادشاهان گلستان به صورت غیرمستقیم، تمام هنر و نبوغ خود را برای قانع نمودن پادشاهان و حاکمان قدرت طلب گذشته به کار برده است که شرح مفصل آنها در توضیح جداول آمده است. تبیین یافته‌ها، به دلیل تأکید خاص سعدی برای مهار قدرت در نصیحه‌الملوک و حجم بیشتر از این متن آغاز می‌شود. در واقع هر سه جدول و مقوله‌ها و فراوانی‌های آنها پاسخ ترکیبی پرسش‌های اول و سوم است. «ادبیات مهار قدرت سعدی، بیشتر بر چه مفاهیمی تکیه دارد و از چه روش‌هایی بهره گرفته است؟»

جدول شماره ۱. مؤلفه‌های مهار قدرت در نصیحه‌الملوک سعدی و فراوانی مطلق و نسبی آنها

ردیف	مقوله مورد نظر	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی (درصد)
۱	مدیریت و کاردانی	۴۳	۲۸,۴
۲	بهره‌گیری از اعتقادات دینی	۲۷	۱۷,۸
۳	قضاوت صحیح	۱۹	۱۲,۵
۴	رفتار صحیح اقتصادی	۱۰	۶,۷
۵	انتخاب کارگزاران شایسته	۱۰	۶,۷
۶	حمایت از محرومین	۹	۶
۷	عدالت	۴	۲,۶
۸	رعایت اعتدال	۴	۲,۶
۹	توجه به آسیب‌ها	۴	۲,۶
۱۰	توجه به حق و تکلیف متقابل	۳	۲
۱۱	مشورت با عالمان	۳	۲
۱۲	میراث فرهنگی	۲	۱,۳
۱۳	آبادانی و عمران	۲	۱,۳
۱۴	صلح و دوستی با بیگانگان	۲	۱,۳
۱۵	بازنشستگی	۲	۱,۳
۱۶	پرهیز از شهرت طلبی	۱	۰,۷
۱۷	رعایت آداب معاشرت	۱	۰,۷
۱۸	پرهیز از همنشین نامناسب	۱	۰,۷
۱۹	پرهیز از لهو و لعب	۱	۰,۷
۲۰	کنترل هوای نفس	۱	۰,۷
۲۱	عدم تقویت فساد	۱	۰,۷
۲۲	توجه به علم و هنر	۱	۰,۷
	جمع	۱۵۱	۱۰۰

در توضیح جدول شماره ۱ مقوله مدیریت و کاردانی با ۲۸,۴ درصد و فراوانی ۴۳ بالا قرار می‌گیرد و نشان می‌دهد که سعدی به عقلانیت و تدبیر حاکمان بسیار اعتقاد دارد. سعدی تلاش می‌کند با یادآوری ریزه‌کاری‌های ظریف مدیریتی، پادشاه یا حاکم را از لطمه زدن عمدی یا غیر عمدی به مردم بازدارد. برای مثال در متنی زیبا و ساده سفارش می‌کند «و... با خُرد و بزرگ دوستی کن و بیخ محبت بنشان و اعتماد به ماندگاری قدرت نکن.» به نظر می‌رسد راه‌حل ارائه شده از طرف سعدی برای جلوگیری از استبداد و زورگویی حاکم به زیردستان در دنیای مدرن امروز هم اثبات شده‌است؛ زیرا در واقعیت امر یک حکومت کاردان و دارای قدرت مدیریت علمی نیاز ندارد که از زور بهره‌چندانی ببرد. چنین حاکمانی با قانع نمودن افکار عمومی جامعه می‌توانند همکاری تمام عیار مردم خود را در اداره امور داشته باشند. برای نمونه می‌توان به نظام‌های حکومتی در کشورهای اسکاندیناوی مثل نروژ و سوئد اشاره نمود که اکثر مردم با کمال میل مالیات نزدیک به پنجاه و شصت درصدی از درآمد خود را می‌پردازند زیرا مردم این جوامع کاردانی و مدیریت دولت‌های خود را باور کرده‌اند و به آنها اعتماد دارند. درست برعکس، در جوامع توسعه‌نیافته، به دلیل عدم کارایی دولت‌ها اعتماد به آنان هم بسیار پایین است و ناچارند به روش سرکوب با مردم خود برخورد نمایند.

دومین مقوله، بهره‌گیری از اعتقادات دینی، پاسخ بخشی از پرسش دوم است، به این صورت که «سعدی برای مهار قدرت از اعتقادات مذهبی چه بهره‌هایی می‌برد؟» ۱۷,۸ درصد موارد با فراوانی ۲۷ عددی، نشانه بهره‌گیری سعدی از اعتقادات دینی یعنی عامل بازدارنده حاکمان از ستمگری و استبداد می‌باشد. به عبارتی، بهره‌گیری از اعتقادات دینی بازدارنده‌ای درونی است که اساس را بر ایمان درونی و قلبی افراد قرار می‌دهد، زیرا سعدی بنای مطالب خود را بر دو آیه از قرآن می‌گذارد و قبل از شروع نصایح صدوپنجاه‌ویک موردی انگیزه اصلی کارش را در کلام الهی جستجو می‌کند که عبارت‌اند از: «ملوک جهان را نصیحت رب‌العالمین بسنده است که در کتاب مجید می‌فرماید: اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل والاحسان. و دیگر فرمود: ان الله یامر بالعدل والاحسان مجملی و تقدس که مفصل آن در دفترها نشاید گفتن. اما به قدر طاقت چند کلمه‌ای بیان کنیم در معنی عدل و احسان» (سعدی، ۱۳۸۵: ۷۶۱) و همین توضیح مقدماتی شاعر بزرگوار اهمیت اعتقادات مذهبی در شکل‌گیری این متون را روشن می‌سازد. یعنی در واقع سعدی از دیدگاه خود نوعی امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر نسبت به قدرتمندان و حاکمان انجام می‌دهد. در دنیای امروز هم با وجود ادعای عرفی و سکولاریزه

شدن اکثریت جوامع بسیاری از ارزش‌های اخلاقی و انسانی از ادیان به‌ویژه از ادیان توحیدی سرچشمه گرفته‌است. حتی اعلامیه‌ی سی ماده‌ای حقوق بشر جهانی، که در سال ۱۹۴۸ میلادی در محیطی غیر مذهبی نوشته شده‌است، بیشتر یادآور اعتقادات، ارزش‌های مذهبی و الهی در تأکید بر کرامت و جایگاه انسانی است.

درباره‌ی سومین مقوله یعنی توصیه به قضاوت و داوری عادلانه می‌توان گفت داوری و قضاوت در گذشته بیشتر برعهده‌ی پادشاه بوده مگر آنکه به حکم او قاضی‌القضات این وظیفه را برعهده می‌گرفت که در آن صورت هم معمولاً نمی‌توانست بدون اراده‌ی حاکم کار مؤثری انجام دهد و استقلالی برای قوه قضاییه وجود نداشت. جان و مال و آبروی افراد وابسته به اراده‌ی شخصی پادشاه بود. به همین دلیل توصیه‌های سعدی در این مورد کاربردی‌تر و اجرایی‌تر هستند. به یک نمونه می‌توان بسنده نمود: «به باطل نگیرد و خشم از انتقام بیرون نهد و گرنه مجرم او باشد و دعوی از خصم» آن‌قدر قاطعانه مطلب را مطرح می‌کند که حیرت‌انگیز می‌نماید و معتقد است در صورت اشتباه در حکم یا زیاده‌روی جای حاکم و محکوم تغییر می‌یابد و خود حاکم باید محاکمه شود. بی‌تردید، امروزه یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌یافتگی جوامع داشتن قوه قضاییه مستقل و عدالت‌طلب است که تحت‌تأثیر قدرتمندان و ثروتمندان قرار نگیرد و حکم عادلانه صادر نماید. بنای چنین نگرشی در اندیشه‌های سعدی وجود داشته‌است و قداست بی‌موردی برای حاکم قائل نیست و حتی معتقد است در صورت اشتباه خود حاکم یا قاضی باید محاکمه گردد.

در شرح ردیف چهارم، (بخشی از پاسخ پرسش چهارم در مورد شباهت روش مهار قدرت سعدی با شرایط امروز جامعه که در اکثر موارد صادق است) رفتار صحیح اقتصادی و سیاست‌گذاری‌های عقلانی حکام چه در گذشته و چه در زمان حال و آینده، از تعیین‌کننده‌ترین عوامل در سعادت و رفاه مردم هر جامعه‌ای است و برعکس آن هم عدم برنامه و تدبیر اقتصادی حکومت‌هاست که می‌تواند افراد تحت حاکمیت را به ورشکستگی و گرفتاری‌های اقتصادی بکشاند. مثلاً در نصیحت شماره ۳۷ توجه به فراوانی خزانه (به زبان امروزی انباشت ذخایر ارزی) و جلوگیری از خرج بی‌حساب را مطرح می‌کند. تشخیص سعدی در اثرگذاری متقابل اقتصاد و سیاست کاملاً درست است. یکی از رموز دوام نظام سرمایه‌داری لیبرال در چند قرن اخیر را بهره‌گیری از نظریه‌پردازی اقتصاددانان و کارشناسان در برنامه‌ریزی‌ها و شرایط بحرانی

می‌دانند. پس تشخیص و تذکر سعدی هم در این مورد به حق و درست بوده‌است و بسیار زودتر از مارکس زیربنا بودن یا حداقل اصل بودن اقتصاد را درک کرده‌است.

در مبحث پنجم، برای به‌کارگیری کارگزاران لایق و شایسته که یکی از حقوق انکارناپذیر مردم بر پادشاه است، نکات ارزشمندی مطرح می‌شود؛ مثلاً در نصیحت شماره ۱۱ برای انتخاب وزیر کسی را مناسب می‌داند که نگران به خطر افتادن آخرت و دین پادشاه باشد و به مال دنیایی پادشاه کمتر از آخرت او توجه کند. در سفارش ۲۴ معتقد است کار را به نآزموده نباید سپرد زیرا پشیمانی به بار می‌آورد و در تکمیل این دیدگاه در مورد ۴۶ به بهره‌گیری از طبقات محروم تأکید دارد، زیرا به دلیل نیاز با تمام توان خواهند کوشید. امروزه هم تربیت نیروهای توانمند برای اداره امور کشورها یکی از ضروری‌ترین امور هر جامعه تلقی می‌شود. چه بسا کارگزارانی که مردم یک کشور یا جامعه را به دلیل قدرت کاردانی و تشخیص خود از بلا یا نجات داده‌اند یا برعکس به دلیل ناکارآمدی آنها را به خاک سیاه نشانده‌اند.

در ششمین مقوله، حمایت از محرومین به چند دلیل مهم معمولاً در گفتار بزرگان و از جمله سعدی مورد توجه قرار می‌گیرد، اول آنکه معتقد بودند که به دلیل ایجاد رضای الهی و دعای خیر مردم باعث تداوم حکومت می‌گردد و دوم آنکه شورش‌ها و درگیری‌های احتمالی را کاهش می‌دهد. جالب آن است اولین تذکر سعدی بزرگ از همین موضوع در شماره یک شروع می‌شود که بر مشفق درویشان بودن، عدل و احسان بر رعیت و آبادانی و رفاه و ثروت عمومی اصرار دارد. در شماره ۶ این روش را باعث مزید ملک و دوام دولت می‌داند. در بند ۱۲ و ۱۳ علاوه بر مشخص نمودن مصادیق شامل پیران، بیوه‌زنان، یتیمان، محتاجان و غریبان در مورد مراقبت از یتیمان، معتقد است رسیدگی و کمک حاکم باید بیشتر از پدر واقعی طفل باشد، زیرا پادشاهان را پدران یتیمان می‌داند. بی‌گمان آنچه که به‌عنوان دولت‌های رفاه در چند قرن اخیر شکل گرفته‌است در اندیشه مصلحین اجتماعی همانند سعدی به شکل اولیه‌ای مطرح بوده‌است. آنها به تبعیت از اعتقادات دینی خویش و واقعیت‌های جامعه سعی کرده‌اند مصادیق عینی و گروه‌های مورد حمایت و رسیدگی را، که به زبان قرآنی به‌طور کلی شامل مستضعفین و به زبان امروزی اقشار آسیب‌پذیر هستند، به حاکمان یادآوری نمایند. در واقع بنیان تأمین اجتماعی پیشرفته امروز را باید در نگرش و دیدگاه‌های مصلحین اجتماعی گذشته جستجو نمود.

در مقوله‌های بعدی، توجه به عدالت و اعتدال مقوله‌های مشترکی هستند که دولت‌های مدرن امروزی هم بخشی از سیاست خود مطرح می‌نمایند و این اشتراک ارزش‌های گذشته و

حال در ذات خود، عقلانی و مطلوب بودن این مقوله‌ها را نشان می‌دهند. باید دقت نمود سعدی، که مسلمان اندیشمندی است، می‌داند که اسلام را دین اعتدال می‌خوانند، بنابراین تلاش می‌نماید که حاکمان را هم از افراط و تفریط برهاند. بخشی از عدالت و اعتدال جنبه اقتصادی و قسمتی دیگر جنبه قضایی و حکومتی دارد که توجه به همه آنها برای مهار قدرت لازم است.

توجه به خدمتگزاران قدیم را معادل بازنشستگی امروزی می‌توان پنداشت. سعدی حداقل دوبار به حاکم فعلی هشدار می‌دهد که از کارگزاران قبلی مراقبت نماید و زحمات حاکمان قبلی را مورد توجه قرار دهد و از آنها به نیکی یاد شود. باید توجه داشت که این دیدگاه مترقی و انسانی تنها چند دهه سابقه اجرایی در ایران دارد و از زمان دکتر مصدق بهره‌گیری از مزایای بازنشستگی برای کارمندان ایجاد شده است.

پاداش حفظ آثار پیشینیان را با سازمان میراث فرهنگی امروزی همسنگ می‌توان دانست که با دیدگاه بلند اندیش سعدی سازگاری دارد. آنچه که امروزه میراث فرهنگی در ایران و سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی یونسکو در سطح جهانی انجام می‌دهند بخشی از تذکرات شاعر بلند آوازه به حکومت‌هاست، زیرا در صورت توجه به این موارد خوی و خصلت قدرشناسی و فرهنگ دوستی به تدریج جانشین قدرت‌طلبی‌های جاهلانه خواهد شد.

توجه به حق و تکلیف متقابل حاکم و مردم و به‌ویژه آنکه به‌صراحت پادشاه را مدیون حضور سالم و بانشاط مردم در صحنه می‌داند از مترقی‌ترین دیدگاهها تلقی می‌شود که بیش از هفت قرن قبل مطرح شده است. حال کافی است این دیدگاه مترقی و صحیح را با نگرش متضادی که در همان زمان یا در دوره‌های بعدی پیش آمد که شاه را خدای روی زمین و مالک جان و مال و ناموس مردم می‌دانستند و حتی بعد از انقلاب مشروطه در مطلع قانون اساسی نوشتند «سلطنت موهبتی الهی است...» یعنی جنبه قداست به آن دادند، مقایسه نماییم، آن زمان فاصله نگرش‌ها تا حدودی درک خواهد شد. احتمال بسیار دارد که این دیدگاه عقلانی و ارزشمند را سعدی از علی (ع) در نهج‌البلاغه گرفته باشد که حقوق متقابل حاکم و مردم را بیان می‌دارد.

بخشی از نصایح به پادشاهان و حاکمان جنبه بین‌المللی می‌یابد. توجه به روابط حسنه با همسایگان و ایجاد صلح و دوستی بین جوامع از نصایح ارزشمند سعدی است که امروزه همگان را ناچار نموده یک تشکیلات گسترده را به نام سازمان ملل برای نگاهبانی از آنها ایجاد نمایند و تفکر انسان‌مدارانه‌اش را در مورد یک پیکره بودن و هم‌ذاتی بنی‌آدم در عمل تحقق بخشند و

درواقع اگر حکومتی ویژگی‌های سفارش شده پانزده مقوله‌ای را که مطرح گردیدند، کسب نماید و علاوه بر آنها به نصایح دیگری مانند پرهیز از شهرت طلبی، رعایت آداب معاشرت با دیگران، پرهیز از همنشین نامناسب، پرهیز از لهو و لعب، کنترل هوای نفسانی، عدم تقویت فساد و سرانجام توجه به علم و هنر را هم به آنها بیفزاید، آنگاه شایستگی و قدرت همکاری برای صلح و امنیت جهانی را هم خواهد داشت.

جدول شماره ۲ مقوله‌های مهار قدرت در سیرت پادشاهان گلستان سعدی و فراوانی مطلق و نسبی آنها

ردیف	مقوله مورد نظر	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
۱	بهره‌گیری از اعتقادات دینی	۱۳	۳۱,۷
۲	مدیریت و کاردانی	۸	۱۹,۵
۳	رفتار صحیح اقتصادی	۵	۱۲,۲
۴	انتخاب کارگزاران شایسته	۵	۱۲,۲
۵	قضاوت صحیح	۲	۴,۹
۶	توجه به حق و تکلیف متقابل	۲	۴,۹
۷	مذمت ستمکاری	۲	۴,۹
۸	پرهیز از قدرت	۲	۴,۹
۹	رعایت آداب معاشرت	۱	۲,۴
۱۰	توجه به حسادت در قدرت	۱	۲,۴
	جمع	۴۱	۱۰۰

در بررسی ۴۱ حکایت و تلخیص موارد مطرح شده بیشترین تأکید سعدی بر بهره‌گیری از اعتقادات دینی (ادامه پاسخ پرسش دوم) برای بازداشتن حاکمان از زورگویی و ستمکاری بر مردم است. ۱۳ مورد و نزدیک به ۳۲ درصد، اعتقادات دینی به دلیل مطرح نمودن ایمان به خداوند، قیامت و عالم غیب تنها نیروی غالبی است که می‌تواند حاکم مستبد مطلق‌گرا را از عاقبت کار بترساند و او را به سمت کنترل درونی و تبعیت از وجدان بکشاند. برای نمونه در حکایت دوم، پیغام می‌دهد که قدرت بی‌اعتبار است و نگرانی در مورد مال دنیا بی‌مورد است و در حکایت سی‌ونهم، هشدار آن است که آبادانی و پیشرفت ناشی از لطف خداوند است. به عقل و تدبیر فردی وابسته نیست و نتیجه می‌گیرد که پس مغرور مباش. درواقع، سعدی،

برخلاف نصیحه‌الملوک که مستقیم نصیحتی را خطاب به پادشاهان و حاکمان مطرح می‌کند، برای عموم خوانندگانش خوراک فکری فراهم می‌سازد. برایشان جنبه تفنن و سرگرمی فراهم می‌سازد و در همان حال آموزش می‌دهد و سعی می‌نماید که ارزش‌های اخلاقی را در قالب حکایت و تمثیل در ذهن‌ها درونی نماید. شاید قرار دادن عنوان در سیرت پادشاهان در ابتدای گلستان به دلیل اهمیت و نقشی است که حاکمان در جامعه دارند و سعدی هم بدان توجه کرده‌است. همچنین خود سعدی نیز با قدرت اندیشه بالای خویش جایگاه حکومت را در سامان‌دهی جوامع دریافته‌است و با لطافت خاص خود توصیه‌های مستقیم و غیرمستقیم خود را ارائه داده‌است.

توجه به مدیریت و کاردانی پادشاه و کارگزاران، برخلاف نصیحه‌الملوک، در مرتبه دوم قرار گرفته‌است. شاید به این دلیل که ارائه مستقیم دستورالعمل حکومتی و هنجارهای آن تا حدودی در داستان‌ها کنار گذاشته شده‌است و مطالب تفننی و سرگرم‌کننده غلبه بیشتری یافته‌است. (۸ مورد و حدود ۲۰ درصد) پیام حکایت بیست‌ویکم آن است که در هنگام توانایی ستم نکنید تا در هنگام ناتوانی دچار انتقام نشوید و در حکایت چهل‌ویکم توصیه به اینکه پادشاهان رعیت را نیازارند و نام پادشاهان دیگر جز به نکویی نبرند. تفکر شاعر بزرگانندیش و اگرایانه است و برخلاف شرایط موجود جامعه سیر می‌کند و نمی‌خواهد تسلیم فساد و تجاوزگری باشد که در اثر حمله مغول به ایران و آلودگی حاکمان و بی‌لیاقتی آنان صورت گرفته و در عمل راه برون‌رفت از شرایط بحرانی را در بهره‌گیری از افراد کاردان و دارای قدرت مدیریت می‌داند. البته در کنار همه بی‌لیاقتی‌ها و ناکارآمدی‌ها و فساد حکومت‌ها تجربه‌ای مدبرانه از طرف اتابکان فارس توانسته بود، منطقه فارس را از تهاجم ویرانگر مغول نجات دهد و این به احتمال زیاد در خودآگاه یا حداقل ناخودآگاه ذهنی شاعر مورد نظر خاطر خوشی را از مدیریت و کاردانی حاکمان جای داده‌بود.

رفتار صحیح اقتصادی و گزینش کارگزاران شایسته هرکدام با پنج حکایت و در مجموع، حدود ۲۵ درصد از دیدگاه‌های سعدی را در این بخش پوشش می‌دهند. برای هرکدام یک نمونه ذکر می‌شود. در داستان نوزدهم به حکومت توصیه می‌نماید به قیمت‌گذاری درست کالاها پردازد در غیراین صورت، به فساد می‌انجامد و فساد از امور کوچک آغاز می‌شود. همان‌طور که در بررسی نصیحه‌الملوک مطرح شد، نویسنده توانا به‌خوبی ارزش مسائل اقتصادی را دریافته‌است و مانند مرتاضان و تارکان دنیا، سعی نکرده آن را کم‌اهمیت و حقیر نشان دهد، بلکه تلاش نموده

ارزش و اهمیت نهاد اقتصادی را در رشد و ارتقا جوامع و افراد نشان دهد. خلاصه صفاتی که برای کارگزار شایسته در پنج مورد برمی‌شمارد عبارت‌اند از: دفاع‌کننده از مردم در زمان قضاوت، سختی‌دیده و مجرب، نکویی‌کننده به زیردستان، اطاعت‌کننده از پادشاه در هنگام اختلافات و در نهایت آنکه بدبین و ترسو نباشد، زیرا در صورت وجود چنین صفاتی، قابل اعتماد نمی‌تواند باشد. شش مقوله بعدی هم با وجود فراوانی محدودتر در حد یک تا دو مورد مطالب عمیقی را مطرح می‌نمایند. مانند سرزنش قدرت‌طلبی، مذمت ستمکاری و مراقبت از حسادت در قدرت و خلاصه آنکه ارزش‌های اخلاقی و انسانی دارای نظام و شبکه‌ای متصل به هم هستند و یکدیگر را تقویت یا ناتوان می‌سازند و گویی در بین خود دارای سلسه‌مراتب مشخصی هستند. مثلاً در نظام اسلامی، اعتقاد به توحید و یگانه‌پرستی و در نظام ژاپن، رسیدن به حداکثر رشد اقتصادی محور قرار گرفته‌اند و بقیه ارزش‌ها را سازمان می‌دهند و این را سعدی با هوش سرشار خود دریافته و با هم همراه کرده‌است. به نظر می‌رسد، شاعر بلندآوازه برای مهار قدرت‌طلبی فسادآور این نظام ارزشی را به‌خوبی شناخته و سعی نموده از ارزش‌های موجود در فرهنگ ایرانی و اسلامی بهره کامل ببرد و استبداد را با کمک نظام ارزشی مهار نماید زیرا به‌خوبی دریافته است که فساد در قدرت با همه نابسامانی‌های دیگر آمیخته است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

برای ترسیم دیدگاه سعدی، براساس دو منبع ذکر شده، لازم است که در ابتدا تجمیعی از یافته داشته باشیم و سپس به بررسی آن بپردازیم.

جدول شماره ۳ مقوله‌های مهار قدرت در نصیحه‌الملوک و سیرت پادشاهان گلستان سعدی به‌صورت

مشترک و فراوانی مطلق و نسبی آنها

ردیف	مقوله مورد نظر	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
۱	مدیریت و کاردانی	۵۱	۲۶,۴
۲	بهره‌گیری از اعتقادات دینی	۴۰	۲۰,۷
۳	قضاوت صحیح	۲۱	۱۰,۸
۴	رفتار صحیح اقتصادی	۱۵	۷,۸
۵	انتخاب کارگزاران شایسته	۱۵	۷,۸
۶	حمایت از محرومین	۹	۴,۷

ادامه جدول شماره ۳ مقوله‌های مهار قدرت در نصیحه‌الملوک و سیرت پادشاهان گلستان سعدی

به صورت مشترک و فراوانی مطلق و نسبی آنها

ردیف	مقوله مورد نظر	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
۷	توجه به حق و تکلیف متقابل	۵	۲,۶
۸	عدالت	۴	۲
۹	رعایت اعتدال	۴	۲
۱۰	توجه به آسیب‌ها	۴	۲
۱۱	مشورت با عالمان	۳	۱,۶
۱۲	میراث فرهنگی	۲	۱,۰۴
۱۳	آبادانی و عمران	۲	۱,۰۴
۱۴	صلح و دوستی	۲	۱,۰۴
۱۵	بازنشستگی	۲	۱,۰۴
۱۶	مذمت ستمکاری	۲	۱,۰۴
۱۷	پرهیز از قدرت	۲	۱,۰۴
۱۸	آداب معاشرت	۲	۱,۰۴
۱۹	پرهیز از شهرت	۱	۰,۵
۲۰	پرهیز از همنشین نامناسب	۱	۰,۵
۲۱	پرهیز از لهو و لعب	۱	۰,۵
۲۲	کنترل هوای نفس	۱	۰,۵
۲۳	عدم تقویت فساد	۱	۰,۵
۲۴	توجه به علم و هنر	۱	۰,۵
۲۵	حسادت در قدرت	۱	۰,۵
	جمع	۱۹۲	۱۰۰

در بررسی نهایی مطالب، در دو مجموعه نصیحه‌الملوک و باب اول گلستان، سعدی با عنوان در سیرت پادشاهان مجموع ۱۹۲ نصیحت، داستان و شعر در ۲۵ مقوله جمع شده است. می‌توان ۱۵۱ مورد از ۱۹۲ نصیحت و حکایت‌های او را در شش مقوله اول جدول شماره ۳ گنجانند. یعنی نزدیک به ۷۹ درصد را دربرمی‌گیرد که در واقع، سعدی تلاش کرده در نقش مشاور غیررسمی و یک نخبه دارای قدرت تشخیص راه صحیح تداوم حکومت و کسب رضایت عمومی را به

حاکمان زمان خود و نسل‌های بعدی حکام اعلام نمایند و برای آنکه مورد پذیرش قرار گیرد، برخی از آنها را در قالب حکایت، شعر و ضرب‌المثل ریخته و با استدلال‌های منطقی سعی نموده مورد پذیرش پادشاهان قرار گیرد. یعنی از هر سه وسیله رایج در دیپلماسی شامل پیشنهاد پادشاه، (مثل دادن وعده تداوم حکومت یا پادشاه اخروی در قیامت در صورت رضایت مردم) تهدید به مجازا (سقوط حکومت و رسوایی در قیامت در درگاه الهی بر اثر ستمکاری و تجاوز) و اقناع از طریق استدلال‌های مختلف (مانند نیاز پادشاه به عموم مردم خود با وجود قدرت مطلق که فراهم شده است). اما روش او به دلیل قدرت تفکر بالا بیشتر متکی به روش سوم یعنی اقناع از طریق استدلال است.

مقام اول در مجموع مقوله‌ها، مانند جدول یک، به مدیریت و کاردانی اختصاص یافته است (۵۱ مورد با ۲۶,۴ درصد از کل موارد). این ویژگی از دو طریق به دست می‌آید. اول هوش و استعداد خدادادی و دوم آموزش و تربیت. در واقع از دیدگاه سعدی، برای اداره بهتر جامعه توجه به هر دو عامل ریشه‌ای لازم است. با این نگرش، نابسامانی‌ها را نمی‌توان به حساب تقدیر و سرنوشت گذاشت و صاحبان قدرت باید پاسخگو باشند. در واقع، سعدی تعیین‌کننده‌ترین عامل در اداره جامعه را عقلانیت، نظم و تدبیر می‌داند. همین نوع تبیین در مقدمه کتاب معروف تاریخی ابن‌خلدون تونسی وجود دارد. این نگرش واقع‌بینانه و عقلانی در روش کار سعدی هم کامل وجود دارد. مشکل آن بوده که سعدی در این مورد تبلیغ‌کننده‌ای نداشته است و این خاص او نیست. بسیاری از بزرگان ایرانی و اسلامی دیدگاه‌های کشف‌نشده مشابهی دارند.

بهره‌گیری از اعتقادات متکی به وحی (ادامه پاسخ پرسش دوم) به دلیل ایجاد مهار درونی قدرت پادشاه بسیار مورد توجه سخن‌پرداز بزرگ است و در مبحث حکایت‌های سیرت پادشاهان (جدول شماره ۲) جایگاه اول را یافته است. در جدول ترکیبی شماره ۳ هم دومین جایگاه را دارد؛ یعنی ۴۰ مورد با حدود ۲۱ درصد مباحث اعتقادی همه طبقات اجتماعی را دربرمی‌گیرد. به همین دلیل هم در نصایح مربوط به پادشاهان و همچنین حکایت‌های گلستان سعدی زیربنا قرار گرفته است. البته در مورد اعتقادات مذهبی برخورد طبقات و گروه‌های مختلف یکسان نیست. طبقات مرفه به جنبه‌های ذوقی و تفننی مذاهب توجه بیشتری دارند اما گروه‌های محروم‌تر بیشتر دین و اعتقادات را جبران‌کننده کمبودها و مشکلات خود می‌دانند. اما نقطه مشترک همه آنها در قدرت کنترل درونی اعتقادات است که به طور قطع، اگر بر پادشاهان مؤثرتر بود، تعیین‌کننده‌تر می‌شد و این از دیدگاه تیزبین شاعر بزرگوار دور نمانده است. امروزه

هم با وجود عرفی شدن اکثر جوامع بشری و ادعای فاصله گرفتن آنها از دین و مذهب باز هم وقتی از اخلاقیات، معنویات، نوع‌دوستی، صلح و همکاری و حقوق بشر و... صحبت می‌شود به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، از ارزش‌ها و هنجارهای دینی و مذهبی بهره گرفته می‌شود. پس توصیه سعدي این است که باید جبهه‌بندی جاهلانۀ مذهبی و غیرمذهبی (یا هر نوع دیگر از جداسازی بی‌مورد انسان‌ها) را، که بیشتر نوعی لجبازی کودکانه است، کنار گذارده و به ارزش‌های زیربنایی وحدت‌بخش همه ادیان و مذاهب روی آورد.

در جهان امروز، داشتن قوه قضاییه مستقل با ساختار عدالت‌طلبانه یکی از افتخارات هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. همچنین در ادیان توحیدی به‌ویژه در کامل‌ترین آنها، یعنی اسلام، رعایت شرایط داوری از مهم‌ترین امور تلقی می‌شود. در نهج‌البلاغه، علی (ع) صفاتی را برای قاضی در نظر گرفته است که در حد معصومین و اولیای الهی است، طوری که برخی معتقدند این صفات جنبه آرمانی دارند و در عمل پیدا کردن چنین شخصیتی غیرممکن است. با مشخص شدن معیارهای مطرح‌شده، سطح انتظارات از دستگاه قضایی اسلامی بالاتر رفته است. طبق جدول شماره ۳، سعدي هم ۲۱ بار بر این حق عمومی مردم پافشاری می‌کند و این در شرایطی بوده که ایران مورد تهاجم اقوام وحشی مغول قرار گرفته بود و جانشینان آنها در ایران حکومت می‌کردند. دعوت نمودن به حق و عدالت در آن شرایط، هوشیاری بالا و شجاعت فراوانی نیاز داشته است که در ذات شاعر بلندآوازه موردنظر، این صفات به‌طور کامل وجود داشته است.

مقوله‌های چهارم، پنجم و ششم را با اندکی تسامح می‌توان در یک مقوله گنجانده، زیرا دقت در انتخاب کارگزار شایسته به احتمال زیاد هم رفتار صحیح اقتصادی و هم رسیدگی به محرومان را در پی خواهد داشت (فراوانی آنها با هم ۳۹ مورد و بیش از ۲۰ درصد کل می‌باشد). سعدي با وجود آنکه حکومت نکرده است اما بسیار کاربردی و با ذکر جزئیات مطالب حکومتی مورد نیاز را مطرح نموده است. طوری که انجام این سفارشات می‌تواند تضمین‌کننده زندگی سعادت‌مندانه برای همگان و حتی موجب دوام و پایداری حکومت‌ها باشد. خلاصه، برخی از توصیه‌ها در این موضوعات عبارت‌اند از: پادشاه در هنگام قضاوت نباید گول ظاهر را بخورد و خاصیت قدرت حرص بیشتر در تصرف سرزمین‌هاست و در حکایتی دیگر پیغام می‌دهد که زیرکان گفته‌اند: «دوست را چندان قوت مده که دشمنی کند» و از درون داستان دیگری این مطلب استخراج می‌شود. سخن گفتن یا سکوت کارگزاران باید به تناسب شرایط صورت گیرد.

مقوله‌های هفتم تا یازدهم در مجموع، بیست مورد را شامل می‌شوند یعنی حدود ۲۰ درصد مقوله‌ها را دربرمی‌گیرند و مواردی مانند حق و تکلیف متقابل حاکم و مردم، رعایت عدالت و اعتدال، توجه به آسیب‌های اجتماعی و مشورت با عالمان را پوشش می‌دهند. بین ردیف ۱۲ تا ۱۸ مقوله‌های مطرح‌شده هرکدام دو مورد از حکایات یا نصایح را نمایندگی می‌کنند و از ردیف نوزدهم تا بیست‌وپنجم از مجموع نصایح و حکایات فقط یک‌بار بیان شده‌اند که در تحقیقات با دامنه وسیع‌تر هر مورد از آنها نیاز به بررسی عمیق‌تر خواهند داشت. هرچند این هفت مورد حدود ۱۱ درصد فراوانی‌ها را تشکیل می‌دهند، اما تعداد کم آنها دلیل عدم اهمیت آنها نیست. در جمع‌بندی نهایی، می‌توان گفت همان‌طور که انتظار می‌رفت تمدن و فرهنگ ایرانی، به‌ویژه ادبیات آن، نسبت به قدرت و احتمال فساد و تباهی آن بی‌توجه نبوده و با وجود مداحی و چاپلوسی برخی شاعران نسبت به قدرتمندان برخی دیگر در متون مشخصی، آنان را از ظلم و ستم بازداشته‌اند و به انسانیت و مردم‌داری دعوت کرده‌اند و برای رسیدن به این هدف آنها را با دستورات و راهنمایی‌های مشخصی همانند مشاور کمک نموده‌اند.

سعدی از راه‌های مختلفی سعی نموده پادشاهان و حاکمان را به محدودیت قدرت فرابخواند. وسایلی که او برای قانع نمودن حاکمان به‌کارگرفته متنوع هستند، ولی مهم‌ترین آنها از نظر فراوانی شامل بهره‌گیری از مدیریت و کاردانی برای رفع مشکلات و برقراری رابطه‌ی حسنه با مردم، استفاده از اعتقادات مذهبی حاکمان برای کنترل درونی آنها، استفاده از قضاوت عادلانه و صحیح برای جلوگیری از نارضایتی عمومی، تدابیر و برنامه‌های اقتصادی مناسب برای آسایش عمومی، انتخاب کارگزاران شایسته برای جلوگیری از نابسامانی‌ها و کمک به محرومین و گرفتاران هستند.

سعدی برای تشویق و ترغیب پادشاهان به محدود کردن قدرت، معمولاً برای هر راهکار ارائه‌شده خود استدلاله‌ایی را مطرح می‌کند و تلاش دارد به‌صورت اقناعی مثل مطرح نمودن موقتی بودن قدرت، رابطه‌ی متقابل حاکم و مردم و وابستگی قدرت حاکمان به مردم، هشپاری نسبت به تغییرات ناخواسته در قدرت و احتمال جابجایی‌ها در قدرت و... نظارتی درونی برای مهار قدرت در خود حاکمان ایجاد نماید زیرا به‌خوبی می‌دانسته که در آن شرایط برای قدرت مطلق حاکمان در عمل، نظارت‌کننده بیرونی وجود نداشته‌است. واقعیت آن است که امروزه هم با وجود کنترل‌کنندگان رسمی و غیررسمی فراوان بیرونی، کنترل درونی قدرتمندان مؤثرتر

خواهد بود. بسیاری از خواسته‌های سعدی از قدرتمندان و حاکمان در دنیای امروز هم خواسته عمومی مردم از حکومت‌هاست.

منابع

- ارسطو، محمد جواد (۱۳۸۳)، «مهار درونی قدرت رهبری در حقوق اساسی»، *مجله حکومت اسلامی*، شماره ۳۳: ۹۴ - ۱۰۹.
- امینی، علی‌اکبر (۱۳۹۵)، *پیوند ادب و سیاست*، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
- ایزدی، سید سجاد (۱۳۹۰)، «امام خمینی و مسئله نظارت و تحدید قدرت سیاسی»، *کتاب نقد*، سال سیزدهم، شماره ۵۹ و ۶۰، پاییز و زمستان: ۹ - ۶۶.
- بخشایش اردستانی، احمد (۱۳۸۸)، «فوکو و نظریه دانش قدرت و رژیم حقیقت»، *دانشنامه ادبیات و زبان‌ها*، شماره ۷: ۴۳ - ۵۲.
- ذاکر حسین، عبدالرحیم (۱۳۷۹)، *ادبیات ایران پیرامون استعمار و نهضت‌های آزادیبخش*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- ذاکریان، مهدی (۱۳۸۱)، *حقوق بشر در هزاره جدید*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- رحمانی‌زاده دهکردی، حمیدرضا (۱۳۸۱)، «نقد و بررسی کتاب فلسفه قدرت»، *مجله روش‌شناسی علوم/انسانی*، شماره ۳۰: ۱۴۷.
- رستنده، مجید (۱۳۷۸)، *قرآن و حدیث در شاهنامه فردوسی*، همدان: انتشارات مفتون همدانی، چاپ اول.
- رمضانی، ابوالفضل (۱۳۹۳)، *ساختار نظریه‌های جامعه‌شناسی ایران*، مشهد: انتشارات رمضانی، چاپ اول.
- روح الامینی، محمود (۱۳۸۹)، *گرد شهر با چراغ*، تهران: انتشارات عطار، چاپ پانزدهم.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۵)، *کلیات سعدی براساس نسخه محمدعلی فروغی*، تهران: انتشارات بادبادک، چاپ اول.
- عابدی، کامیار (۱۳۹۰)، «چرا شاملو حافظ را ستایش می‌کرد و سعدی را نکوهش»، *ماهنامه تجربه*، شماره ۴.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۱)، «ابعاد کرامت انسان از منظر اسلام»، از مجموعه مقالات به مناسبت روز جهانی حقوق بشر: ۲۰۹ - ۲۱۷.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۲)، *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*، تهران: نشر نی، چاپ دوم.

- فلاح سلوک‌لایی، محمد (۱۳۸۸)، «نظارت بر حکومت اسلامی و سازوکارهای آن در اسلام»، مجله حکومت اسلامی، شماره ۵۲: ۱۵۹ - ۱۹۲.
- قادری، حاتم (۱۳۹۴)، *اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران*، تهران: انتشارات سمت، چاپ چهاردهم.
- کوهستانی، سمانه (۱۳۹۲)، *نظریه قدرت فوکو*، سایت علوم اجتماعی ایران.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴)، *جامعه‌شناسی*، مترجم منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۹)، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، تهران: انتشارات صدرا، چاپ هفتم.
- هداوند، مهدی (۱۳۸۶)، «مهار قدرت و تحول آن در حقوق اداری»، *مجله حقوق اساسی*، شماره ۸: ۲۷۷ - ۳۱۸.
- هدایتی، سید محمد (۱۳۸۴)، «نقد و بررسی کتاب توزیع قدرت در اندیشه سیاسی شیعه»، *مجله دین و ارتباطات*، شماره ۲۶: ۱۶۳ - ۱۷۴.